

علم أصول الفقه

٢٨-٩-٩١ مبادئ مختص تصديقي ٢٥

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- از سوی دیگر، در نظریه ابراز می‌شود که خصلت‌های بشری به معرفت دینی سرایت می‌کند. یعنی وقتی گفته می‌شود: معرفت دینی، معرفتی بشری است، مقصود فقط این نیست که از سنخ دانش‌هایی است که برای بشر حاصل می‌شود؛ بلکه مقصود این است که خصلت‌ها و روحیات، حب و بغض‌ها، شادی و غم‌های بشر در این معرفت تأثیر می‌گذارد و به تبع تغییر و تحول در آنها، نقش مهمی در داورى‌ها و قضاوت‌ها ایفا می‌نماید.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- چه بسا تفسیری منفی از کارهای یک فرد داریم، به دلیل این که از او متنفریم و تفسیری مثبت از فرد دیگر داریم، به دلیل این که به او علاقه مندیم. در این قضاوت به واقع نمی‌نگریم. ممکن است واقعاً کار فرد اول پسندیده و کار فرد دوم ناپسند باشد. اما به دلیل بغض یا حب شدید، چنین داوری-ای کرده‌ایم.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- بنابراین وقتی ادعا می‌شود: معرفت دینی، معرفتی بشری است، مقصود این است که آن معرفت مشاع و همگانی که از دین پیدا می‌شود، معرفتی تابع خصلت‌ها و ویژگی‌ها، حب و بغض‌ها و شادی و غم‌های بشر و تابع معارف دیگر او است.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- مسلماً اگر مقصود از معرفت دینی، معرفت شخصی افراد متدین نسبت به دین باشد - یعنی جهان دوم پوپر مورد نظر باشد - راحت تر می توانیم بپذیریم که روحيات شخصی و حب و بغضشان و همچنین بخشی از معارفشان - و البته نه همه‌ی معارف آنها - برای عده‌ای از متدینان - و نه برای همه‌ی آنها - چنین نقشی را ایفا می‌کند و تحولی در معرفتشان ایجاد می‌نماید.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- اما اگر خصوصیت انسان‌ها را کنار بگذاریم و معرفتشان را معرفتی همگانی تفسیر کنیم، حب و بغض انسان‌ها تأثیری نخواهد داشت. معرفت مشاع و همگانی منسلخ از خصوصیات افرادی است که صاحب معرفتند و حب و بغض در آنجا معیار معرفت نیست.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- بنابراین در نظریه یک دوگانگی و تنافی وجود دارد. از یک سو معرفت را معرفتی عمومی و همگانی می‌داند، نه معرفت آحاد و اشخاص و از سوی دیگر اصرار بر این است که خصلت‌های بشری در معارف دینی مؤثر است - و به تعبیر نظریه خصلت‌های بشری در معارف دینی ریزش پیدا می‌کند - و در آنجا هم سیلان و جریان دارد. در توضیح اصطلاح معرفت، جهان سوم پوپر را مطرح می‌کند و هویتی جمعی مشترک برای معرفت قایل است و در توضیح ویژگی‌های آن، ویژگی‌های جهان دوم پوپر را ذکر می‌نماید و معرفت انسان‌ها را گاهی تحت تأثیر معارف دیگر می‌شمارد.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- لازم به ذکر است صحت ادعای پوپر نیز جای بحث و تأملی جدی دارد. دانش فیزیکی که غیر از دانش فیزیک-دانان است، کجا است؟ مکتوبات فیزیکی برخی بر اساس فیزیک نیوتنی، برخی دیگر بر اساس فیزیک نسبیت و گروه سومی بر اساس فیزیک کوانتومی نگاشته شده‌اند.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- اطلاعات بشر اولیه نسبت به طبیعت با اطلاعات فیزیک-دانان کوآنتومی کاملاً مغایر و متفاوت است. تصورات فیزیک-دانی که فیزیک را روی سطح مسطح ترسیم می‌کند با فیزیک-دانی که فیزیک را بر سطح منحنی قرار می‌دهد، متفاوت است و... کدام یک جهان سوم فیزیک است و آن دانش عمومی و همگانی را تشکیل می‌دهد؟

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- مجموعه مواردی که در فرهنگ بشر یکسان نیست. هر کدام از آن گروهی از انسان‌ها است و هر کسی به فراخور حال خویش و به اندازه‌ی اطلاعاتی که دارد، از خارج تأثیر می‌پذیرد و نسبت به آن قضاوت‌ها و داوری‌هایی دارد. فیلم‌ها، کتاب‌ها، اسلایدها، نقاشی‌ها، نرم افزارها و... نتیجه‌ی همین برداشت فردی است.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- بنابراین جهان سومی که غیر از عالم ذهن و خارج باشد و ظرف مواردی فرهنگی بشر قرار گیرد، قابل پذیرش نیست و به فرض هم که پذیرفته شود، نمی‌تواند تابع احساسات و عواطف فردی قرار گیرد.
- همان گونه که ممکن است سخن‌گیری‌های یک پدر برای خواندن نماز صبح، باعث شود فرزند از نماز متنفر باشد و قهراً تمامی فواید ذکر شده در این زمینه را منفی تفسیر کند.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- بررسی رکن سوم
- رکن سوم به ارتباط معارف بشری می پردازد. ارتباط-هایی که در نظریه مطرح می شود، عبارتند از:
- ا. ارتباط روش شناختی.
- ب. ارتباط دانش های پیشین با دانش های پسین.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- ارتباط دوم خود به سه صورت تصویر می‌گردد:
- ۱. ارتباط گزاره‌ای
- ۲. ارتباط مفهومی
- ۳. ارتباط هندسی.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- در نتیجه مجموعاً چهار ارتباط در نظریه به عنوان ارتباط معارف بشری ذکر شده است.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- ا. ارتباط روش شناختی: علمی که با روش یکسان به دست می‌آیند، ارتباط روش شناختی با هم دارند. بنابراین وقتی در یکی از دانش‌ها تغییر رخ دهد، دانش دیگر که در آن همین روش به کار برده می‌شود، تغییر می‌یابد. به طور مثال دانش فیزیک و شیمی هر دو به روش تجربی به دست می‌آیند. یکسان بودن روش معرفتی آنها، باعث ارتباط بین این دو علم می‌شود. در نتیجه تغییر حاصل در یکی، موجب تغییر و تحول در دیگری می‌گردد.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- در برابر این سخن باید گفت: اولاً این ارتباط بر فرض پذیرش، محدود به دانش‌های هم روش است و در دانش‌هایی که روش معرفتی متفاوتی دارند، جاری نیست. علوم تجربی و علوم عقلی، فاقد چنین ارتباطی هستند، چون روش یکسانی ندارند. بنابراین تغییر و تحول در اطلاعات یکی از آنها، منجر به تحول در اطلاعات دیگری نخواهد شد.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- ثانیاً: نتیجه‌ی ادعا شده از این ارتباط - سرایت تغییر و تحول یکی از دو علم هم روش به دیگری - حتی در حیطه‌ی دانش‌های هم روش نیز عمومیت ندارد.
- توضیح مطلب آن که:

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- اگر در یکی از دانش‌های هم روش - مثلاً شیمی - خطایی را کشف نماییم و در پی آن متوجه شویم که شیوه‌های به کار رفته در آن اشتباه بوده است، قهراً دانش دیگر - مثلاً فیزیک - که از همین روش بهره می‌برد، تحت تأثیر قرار می‌گیرد و در آن، اطلاعات حاصل از این روش تغییر می‌یابد.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- اما اگر در پی کشف خطا در دانش هم روش اول - شیمی - دریابیم که روش را درست به کار نبسته‌ایم، هیچ تغییری در علم هم روش دوم - فیزیک - حاصل نمی‌شود؛ چراکه هیچ دخل و تصرفی در روش صورت نگرفته است. بنابراین ارتباط روش شناختی بین دو دانش باعث نمی‌شود که هرگونه تغییر یکی از آنها به دیگری سرایت نماید. در صورتی تغییر یکی، موجب تغییر دیگری می‌شود که کاشف از خطای روش و در نتیجه ضرورت تغییر آن باشد.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- ناگفته نماند دانش‌های هم روش به لحاظ وحدت روش با هم ارتباطاتی دارند و این ارتباطات باعث می‌شود که برخی گزاره‌های یکی، مقدمه‌ی رسیدن به گزاره‌های دیگری باشد و همان طور که در ارتباط گزاره‌ای شرح می‌کنیم، ارتباط بین این دو دانش در این صورت، یک ارتباط منطقی است. همان گونه که تغییر اطلاعات بر اثر تغییر روش نیز از ارتباط منطقی حکایت دارد.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- ب. ارتباط گزاره‌ای: یکی از ارتباط-هایی که دانش‌های پیشین با دانش‌های پسین دارند، ارتباط گزاره‌ای است. مقصود از آن این است که تغییر گزاره‌ای موجب تغییر گزاره‌ای دیگر شود.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- ارتباط گزاره‌ای در حیطه‌ی گزاره‌هایی که ارتباط منطقی دارند، قابل پذیرش است. اگر گزاره‌ای جزو مقدمات گزاره‌ای دیگر باشد، تغییر آن (مقدمه) موجب تغییر این (نتیجه) خواهد بود. مقدمات، گزاره‌های پیشین هستند که قبل از نتیجه معلوم بوده‌اند و نتیجه، گزاره‌ی پسین است که در پی مقدمات معلوم می‌گردد.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- اما اگر گزاره‌ای که دچار تحول شده، اصلاً به گزاره‌ای دیگر که سرایت تغییر را در آن ادعا می‌کنیم، ارتباط نداشته باشد، تغییر یکی، تغییر دیگری را در پی ندارد. به طور مثال از دو مقدمه‌ی «عالم متغیر است» و «هر متغیری حادث است»، نتیجه می‌گیریم که «عالم حادث است». بین آن مقدمات و این نتیجه ارتباط گزاره‌ای برقرار است. تغییر هر یک از آن دو مقدمه، نتیجه را دچار تحول می‌نماید. اما قضیه‌ی فلان حیوان آبشش دارد، هیچ ارتباطی با «عالم حادث است» ندارد. بنابراین با کشف خطا در آن قضیه و تغییر آن، قضیه‌ی «عالم حادث است» تغییر نمی‌کند.

نقد و بررسی نظریه قبض و بسط

- با این وصف از آنجا که تمامی گزاره‌ها ارتباط منطقی و استنتاجی با هم ندارند، دایره‌ی این ارتباط محدود است.